ج) معنای وضعی نماد

صوری‌سازی نسبت به معنای وضعی محل بحث در جدول ضرب

خب آنچه که من عرض می‌کنم چیست؟ این‌هایی که الآن گفتم، به اصطلاح امروزی، فرا زبان بود. یعنی وقتی می‌خواهید یک زبان صوری محض درست کنید، معنای نفس نماد به این معنا است و معانی منا‌سب او و سایر چیزهایی که بعداً صحبتش می‌شود را داریم. اما این‌ها ربطی به زبان نمادی ما ندارد؛ ما می‌خواهیم این، برای چیزی نماد باشد. به آن، زبان موضوعی می‌گوییم، یعنی آنچه که به‌دنبال این نشان‌ها می‌آید. منظور این است. پس الآن معانی منظور ما است که در این حیطه‌ی آن زبان موضوعی منظور است، نه این معانی‌ای که در همه جا است.

بنابراین ایشان می‌گویند «2» را به‌عنوان یک معنا دریافت می‌کند، درست است. بعد می‌فرمایند بر افرادی منطبق می‌شود. الآن همین «2» را ببینید. علامت این‌که آن بچه دارد معنا می‌بیند این است: وقتی یک «2» دیگر می‌بیند، می‌گوید این همان چیزی است که من دیدم. پس معلوم می‌شود یک شکلی که در ذهن او است، شکل شخص نبود. این شخص شکل که با آن منطبق نمی‌شود و شخص این نماد «2» که دیگری نیست. معلوم می‌شود وقتی این بچه این «2» را دید، وقتی دیگری را هم می‌بیند، درک کرده که این‌دو در یک معنای ذاتی با هم مشترک هستند. معنا را درک کرده که می‌گوید این‌دو تا، دو فرد از آن نماد «2» هستند. نماد «2» را به‌عنوان طبیعی نماد درک کرده است، اما برای او هیچ معنای نشان‌های ندارد و نمی‌داند این چیست و فقط به‌عنوان شکل می‌بیند.

«کودک درک می‌کند که نماد «2»، نماد «3» نیست همانطور که می‌فهمد ج، ب نیست».

بازبینی #2
ایجاد شده 23 سپتامبر 2024 14:05:18 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 سپتامبر 2024 14:33:30 توسط ... .